



بخش ۵ از کتاب:

امکان تبدیل یک نیروگاه انرژی هسته ای صلح آمیز به نیروگاه
تولیدی

سلاح های نظامی هسته ای خطرناک، مانند آب خوردن آسان
است.

نوشته: اتفرید ناسور

از انتشارات بنیاد هانریش بل و بنیاد سبز اروپا
برگردان: انور میرستاری، عضو حزب سبزهای اروپا

۵ - وسایل کنترل و راه های محدود کردن گسترش تولید سلاح های هسته ای

۵.۱ - پیمان های مهم

پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای که در مارس ۱۹۷۰ شکل قانونی به خود گرفته و وارد مرحله اجرایی شد، پایه اصلی سیستم جهانی خلع سلاح هسته ای است. تقریباً همه کشورهای دنیا آن را امضا کرده اند. تنها اسرائیل، هند و پاکستان هرگز در آن پیمان عضو نشده اند. کره شمالی در ۲۰۰۲ از عضویت این پیمان در آمد.

[با وجود ارتکاب اشتباهی از سوی کره شمالی مبنی بر خروج از پیمان غیرهسته ای، هم چنان با این کشور همانند کشورهای بدون سیستم هسته ای رفتار می شود. زیر نویس از خود نویسنده]

پیمان غیر هسته ای در ماده ۲ خود، دولت های غیرهسته ای را وادار می کند: « نقل و انتقالات سلاح های هسته ای یا دستگاه های منفجره هسته ای یا دستگاه های کنترل چنین سلاح هایی یا چنین وسایل منفجره ای را از هر کس که می خواهد باشد، چه بطور مستقیم و چه غیر مستقیم نپذیرند؛ نه سلاح های هسته ای یا تأسیسات و دستگاه های منفجره هسته ای بسازند و نه آنها را از جایی به هر طریقی بخرند؛ نه در پی یافت و نه در پی دریافت سلاح های هسته ای یا دستگاه های منفجره هسته ای باشند.

متقابلاً در ماده ۱، کشورهای دارنده سلاح های هسته ای متعهد می شوند، هرگز به کشورهای بدون سلاح های اتمی کمک نکنند تا بطور مستقیم و غیر مستقیم تعهدات خود را زیر پا بگذارند. ماده ۴ حق استفاده کشورهای غیرهسته ای از انرژی هسته ای با هدف صلح آمیز و کسب فناوری های مناسب و لازم در این باره را تضمین می کند.

این ماده می گوید:

« هیچ یک از بندهای این پیمان نباید طوری تفسیر شوند که به حقوق مسلم و جدایی ناپذیر هیچ کدام از طرفین امضا کننده مبنی بر پیشرفت کارهای پژوهشی، تولید و استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای زیان رساند. [...]». تمام طرفین امضا کننده این پیمان متعهد می شوند که در رد و بدل کردن وسایل و مواد لازم، اطلاعات علمی و تکنولوژی به قصد استفاده صلح آمیز انرژی

هسته ای کمال همکاری را بکنند و همه این کشورها حق شرکت در آن برنامه ها را دارند. « این پیمان نامه بین کشورهایی که دارای اجازه دائم داشتن سلاح های هسته ای هستند، «دارا»، و آنانی که این اجازه را ندارند «نادار»، فرق می گذارد. دو بند در آن دیده می شوند که می گویند، این تمایزها همیشگی نیستند. بند اول که در ماده ۶ قرار دارد، کشورهای دارنده سلاح های اتمی را مجبور می کند تا «با صداقت مذاکرات مربوط به تصویب قوانینی کارساز در قطع مسابقه تسلیحاتی و ادامه برنامه های خلع سلاح اتمی، همچنین در باره یک پیمان خلع سلاح عمومی و کامل با کنترل اکید بین المللی را در یک موعد نزدیک دنبال کنند.» دومین بند در ماده ۱۰ بدین صورت آمده است: « ۲۵ سال پس از اجرای این پیمان، کنفرانس دیگری ترتیب داده خواهد شد تا دیده شود که آیا این پیمان می تواند هم چنان ادامه پیدا کند [...]»

کنفرانس بازنگری پیمان در ۱۹۹۵ تصمیم گرفت که این قرار داد بین المللی را بی قید و شرط و بدون محدودیت زمانی تمدید کند. اجرای این تصمیم با پذیرش همزمان سندی در باره « اصول و اهداف » ممکن شد که خود آن هم با سند دیگری، حاوی ۱۳ مرحله عملی، در طی کنفرانس بعدی در سال ۲۰۰۰ تکمیل شد. سند اخیر، برای اولین بار، یک برنامه کاری با اهداف مشخصی را تعیین می کرد و همچنین با تحکم زیاد کشورهای غیر هسته ای را به همان اندازه خلع سلاح کشورهای دارای سلاح های هسته ای نشانه گرفته بود.

این تصمیم ها نکات مهم «مصالحه و توافق هایی» را که در مذاکره های پیشین پیمان منع تولید سلاح های هسته ای صورت گرفته بودند، آشکار کرد: برای تعداد زیادی از کشورهای غیرهسته ای، مقررات خشک منع تولید سلاح های هسته ای، تنها زمانی قابل پذیرش بود که به موازات آن، برنامه های خلع سلاح های هسته ای با اهداف نهایی نابودی کامل سلاح های اتمی به پیش بروند. اجرای تعهدات بین ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰ با یک آهنگ بسیار کندتر از آنچه که بیشتر دولت ها انتظار داشتند، به پیش رفت. در کنفرانس بازنگری بعدی، در ماه مه سال ۲۰۰۵، شرایط حتی رو به وخامت گذاشت:

دستیاران جرج بوش در ایالات متحده به روشنی گفتند که آن ها دیگر خود را همگام با «اصول و اهدافی» که در یک روند ۱۳ مرحله ای به همکاری دستیاران بیل کلینتون تهیه شده اند، احساس نمی کنند.

امروزه حکومت آمریکا بیشتر اقدام های خود را بطور یک جانبه به فشار آوردن به کشورهای غیر هسته ای در راه هسته ای شدن، متمرکز می کند و از این بعد، هیچ تعهد دیگری را در باره خلع سلاح های هسته ای کشورهای دارنده سلاح های هسته ای نمی پذیرد. این رفتار آمریکائیان ایده کلی «مصالحه ها» و توافقات قابل تمدید آن را که از سوی پیمان منع سلاح های هسته ای موعظه می شد، تا ژرف زیر سؤال برد.

کنفرانس بدون توافق تازه ای و با سهل انگاری نسبت به مسأله مهم ناشی از آن در آینده، بی نتیجه پایان یافت. آیا ممکن است دوباره به طور چند جانبه بیکار برای منع سلاح های هسته ای را به راه انداخت؟ اگر آری، چگونه؟

پیمان چندین ضعف خاص نسبت به سلاح های هسته ای نشان می دهد:

- در حقوق بین‌الملل که تمام کشورهای مستقل معمولاً با هم برابرند، تنها یک تمایز بین داراها و ندارها وجود دارد. معمولاً در حقوق بین‌الملل که تمام کشورهای مستقل با هم برابرند، وجود تمایز بین «داراها» و «ندارها» در نوع خود بی‌همتا است. تمدید کردن نامحدودیت زمانی پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای، این تفاوت اساسنامه‌ای را «ابدی» می‌کند و در این صورت اهداف خلع سلاح رسیدن به «صفر» کم‌رنگ می‌شوند. به همین دلیل در زمانیکه دولت آمریکا از «اصول‌ها و هدف‌ها» و روند «۱۲ مرحله‌ای» پشتیبانی نکرد و کوچکترین علاقه‌ای به خلع سلاح نشان نداد، با انتقاد شدید شمار زیادی از کشورهای غیرهسته‌ای روبرو شد. این کشمکش می‌تواند بنیان پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای را عمیقاً ویران کند.

- پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای، حق استفاده از فناوری هسته‌ای با اهداف برنامه‌های صلح‌آمیز را به همه کشورهای عضو خود می‌دهد. همین پیمان، کشورهای دارای چنین فناوری‌ها را وادار می‌کند تا آن‌ها را در دسترس کشورهای دیگری که می‌خواهند از این تکنولوژی‌ها در کارهای صلح‌آمیزی مانند تولید برق استفاده کنند، ولی فاقد آن‌ها هستند، قرار دهند. بنا به پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای، بهره‌برداری از یک چرخه سوختی بسته برای همه کشورهای بدون سلاح هسته‌ای کاملاً قانونی است. [به عنوان مثال، تمام تأسیسات هسته‌ای که ایران در اختیار دارد - برای هر چه قدر که علنی و هر چه قدر دیگر هم که مخفی باشند - بنا به پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای، اگر فقط برای استفاده انرژی صلح‌آمیز باشند، در صورت امکان بازرسی آن‌ها توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مجازند. - زیر نویس نویسنده]

این کار به یک سلسله دستگاه‌هایی نیازمند است که با خود خطرات همزاد و جدایی‌ناپذیر گسترش شدید سلاح‌های هسته‌ای را به همراه دارند. لویج الحاقی «مراقبت‌ها» و محدودیت‌های صادرات‌های مواد این چرخه سوختی که بیشتر اوقات توسط «داراها» انجام و یا پشتیبانی می‌شود - تمایزات مذکور را تقویت می‌کند. کشورهای بدون سلاح‌های هسته‌ای «جنوب» از یک «نژادپرستی هسته‌ای» در استفاده صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای و دسترسی به فناوری‌های پیشرفته آن، بیم دارند.

- با اینکه اسرائیل، هند و پاکستان هرگز پیمان را امضا نکرده‌اند، اما با این حال دارای سلاح‌های اتمی شدند. چون پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای، به کشورهای دیگری که به تازگی دارای سلاح‌های هسته‌ای می‌شوند، اجازه عضویت نمی‌دهد، چشم‌پوشی از برنامه‌های سلاح‌های هسته‌ای اولین شرط عضویت برای تمام کشورها خواهد بود. گرچه شانس رخداد این کار بسیار کم است. تعداد زیادی از کشورهای بدون سلاح‌های هسته‌ای، بیش از پیش پیمان را به دلیل اینکه کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای را با وجود داشتن سلاح‌های هسته‌ای، در خارج از چارچوب برنامه‌های خود قرار داده و با آن‌ها به مدارا رفتار می‌کند و بطور غیر مستقیم به رسمیت می‌شناسد، مورد انتقاد قرار می‌دهند.

دلایلی که در باره این گرایش به عنوان مثال زیاد آورده می شود، توافق دوجانبه بین آمریکا و هند در زمان جرج بوش است. این توافق به دو دولت اجازه می داد تا در باره برنامه های هسته ای صلح آمیز با یکدیگر همکاری کنند. در باره رفتار آمریکا با اسرائیل نیز وضع به همانگونه است. [در این فاصله زمانی، چین و پاکستان هم قرارداد مشابهی را امضا کردند. - زیر نویس نویسنده]

«پیمان منع کامل آزمایش های هسته ای» یک قرارداد چند جانبه دیگری است که می تواند بر روی تولید سلاح های هسته ای تأثیر داشته باشد. در فوریه ۱۹۶۳، رابرت مک نامارا در یک یادداشت سیاسی خطاب به رئیس جمهور جان اف کندی نوشت: «یک ممنوعیت کامل آزمایش های هسته ای برای آمریکا، اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان، تولید سلاح های هسته ای را کند تر خواهد کرد. بی شک، این کار نه تنها غلو نیست، بلکه یقیناً، برای کاهش تعداد کشورهای دارنده سلاح های هسته ای یک شرط ناکافی است.

چنین پیمانی فقط می توانست پس از جنگ سرد به نتیجه برسد. از سال ۱۹۹۶ تا کنون ۱۸۲ کشور پیمان را امضا و ۱۵۱ کشور آن را تصویب کرده اند که در میانشان کشورهای دارنده سلاح های هسته ای مانند روسیه هم به چشم می خورند. با این حال، مسلم نیست که روزی «پیمان منع کامل آزمایش های هسته ای» به صورت قانون در آید. برای این کار لازم است که همه ۲۴ کشور دارنده برنامه های صلح آمیز و جنگ افروز آنرا تصویب کنند. تعداد خیلی زیادی از این کشورها - از جمله جمهوری توده ای چین، هند، پاکستان، کره شمالی، اندونزی، اسرائیل، ایران و آمریکا - تا کنون دست به چنین کاری نزده اند و سه کشور حتی آن را امضا نکرده اند. [اوباما اعلام کرده بود که آهنگ تصویب آن را دارد، اما هنوز اکثریت لازم را در این باره در سنای آمریکا ندارد. - زیر نویس نویسنده]

اگر این قرارداد بین الملل وارد مرحله قانونی خود شود، نقش بزرگی را در باره سلاح های هسته ای خواهد داشت. کشورهایی که برای نخستین بار سلاح اتمی خواهند ساخت، از آن پس نخواهند توانست بدانند که آیا سلاحی که برای هدف پیش بینی شده ویژه ای آن را ساخته اند، کار می کند یا نه؟ چیزی که در باره سلاح های اتمی ساخته شده از پلوتونیوم های راکتورهای اتمی هم صادق است.

هدف «پروژه پیمان منع تولید مواد شکافتنی منفجره برای ساخت سلاح های اتمی» متوقف ساختن کمیت لوازم نظامی در سراسر جهان، ممنوعیت تولید مواد منفجره شکافتنی نظامی تازه به قصد پایین آوردن کامل در حال رو به افزایش آن ها است. ده ها سال است که این عقیده وجود دارد و هر چند که قطعنامه ۱۱۲۸ مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۵۷ مصرانه خواهان توقف تولید مواد هسته ای نظامی بود، هیچ مذاکره جدی در کنفرانسی از سازمان ملل برای خلع سلاح که ماموریت نوشتن قرارداد را داشت، صورت نگرفت. با این حال، سازمان ملل از آن به بعد بطور رسمی در باره اجزا و بندهای چنین قراردادی بحث می کند. در سال گذشته، با تشکیل یک گروه کاری در باره موضوع مربوطه، در برنامه کاری کنفرانس پذیرفته شد. اما هیچگونه پیشرفتی در کار حاصل نشد. ۶۵ کشور در کنفرانس خلع سلاح هسته ای سازمان ملل

شرکت می‌کنند که باید به تفاهم‌هایی برسند. بنابر این، حسن نیت قدرت‌های هسته‌ای، حتی کوچکترین آن‌ها، که به انباشتن انبارهای خود ادامه می‌دهند و هنوز به عضویت پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای در نیامده‌اند، یک پیش‌شرط اساسی برای پیشرفت اصلی است.

با توجه به انباشتگی سلاح‌های ناقص قوانین بین‌الملل در انبارها، این‌گونه توافق، کشورهای دارنده سلاح‌های اتمی را وادار می‌کند تا مقدار کمیت مواد شکافتنی منفجره خود را که در انبارهای موجود آماده‌کاربری هستند، کاهش دهند و بدین ترتیب موجب اطمینان خاطر امنیتی بیشتری برای کشورهای غیرسلاح‌های هسته‌ای خواهد شد.

با در هم آمیختگی این توافق با پروژه‌هایی مانند توافق بین روسیه و آمریکا که از پیش وجود دارند، همچون حاوی تبدیل ۵۰۰ تن اورانیوم نظامی روسیه به اورانیوم ضعیف شده و آنکه هر کدام تعهد می‌کنند که ۳۴ تن پلوتونیوم برای اهداف نظامی غیرقابل استفاده باشد، مقدار ذخیره‌های مواد انفجاری راکتورهای نظامی در درازمدت به طور چشم‌گیری پایین خواهد آمد.

علاوه بر آن، پیش‌نویس یک پیمان در باره مواد شکافتنده منفجره وجود دارد که اساساً دربرگیرنده بخش نظامی مواد هسته‌ای است و از لحاظ حقوقی تمام قدرت‌های هسته‌ای را وادار به کاهش ذخیره‌هایشان خواهد کرد.

در خیلی از مناطق جهان موفق شدند در مطابقت با ماده ۷ پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای، قراردادهای نواحی معاف از سلاح‌های هسته‌ای را به تصویب رسانند. این قراردادها عبارت از مقررات منطقه‌ای برای اعتمادسازی در برابر تولید احتمالی سلاح‌های هسته‌ای و فناوری هسته‌ای هستند که از سوی قدرت‌های هسته‌ای و از راه « موازنه منفی امنیتی» پشتیبانی می‌شوند. این تضمین‌ها فقط قول و قرارهای سیاسی هستند که توسط دولت‌های مناطق معاف از سلاح‌های هسته‌ای صورت می‌گیرند تا دولت‌های دارنده سلاح‌های اتمی، با سلاح‌هایشان آن‌ها را تهدید نکنند و هیچ ارزش و پشتوانه حقوقی ندارند.

توافق‌نامه‌های چندجانبه دیگری به امنیت ملزومات هسته‌ای نظامی و پرسش‌های ویژه مربوط به آن می‌پردازند. به عنوان مثال در میان آن‌ها می‌توان دید:

- در سطح بین‌الملل، کنوانسیون مربوط به حفاظت فیزیکی لوازم هسته‌ای که در سال ۱۹۸۰ آغاز شد و در ۱۹۸۷ به مرحله اجرا درآمد، در ابتدا تنها شامل امنیت ترابری بین‌المللی ابزار و مواد هسته‌ای بود. این پیمان تا به امروز توسط ۱۴۲ کشور به تصویب رسیده است و در سال ۲۰۰۵، با یک قرارداد الحاقی شامل تعهداتی در باره امنیت هسته‌ای، مواد هسته‌ای و انبار کردن آن و هم‌چنین برای ترابری تکمیل شد؛

- پیمان بین‌المللی جلوگیری از اعمال تروریستی هسته‌ای در سال ۲۰۰۵؛

- توافق‌های اجرایی فنون محافظت از مواد و سیستم هسته‌ای توسط آژانس بین‌المللی که در حال حاضر در مرحله بازنگری نهایی هستند (بخشنامه اطلاعاتی شماره ۲۵۵ با بازنگری چهارم در ۱۹۹۹ و بازنگری پنجم در ۲۰۰۵).